

سخن فصل

سید حسین موسوی*

چالش‌های سه گانه رژیم صهیونیستی

الف

طی تنها یک ماه گذشته رژیم صهیونیستی با سه ناکامی مهم در عرصه سیاست خارجی خود مواجه شد. یکی از این رویدادها به سرعت جنبه جهانی پیدا کرد و اسرائیل در میان خانواده بین‌المللی به مثابه رژیم شناخته شد که به بدیهی‌ترین حقوق بشر احترام نمی‌گذارد. این رویداد هم خونین بود و هم به لحاظ انسانی و از دیدگاه ناظران بین‌المللی به عنوان اقدامی شناخته شد که باید در چارچوب جنایت علیه بشریت مورد رسیدگی قرار گیرد. این رویداد همان حمله به «کاروان آزادی» و کشته و زخمی کردن بیش از ۳۰ تن از مدافعان حقوق بشر بود که در چارچوب یک ماموریت کاملاً انسانی و برای شکستن محاصره باریکه غزه به سوی این منطقه حرکت کرده بودند. در همین رویداد بود که رژیم صهیونیستی در میان کشورهای گوناگون جهان به دلیل حضور اتباع این کشورها در میان اعضای کاروان آزادی به باد انتقاد گرفته شد. شورای امنیت سازمان ملل متحد طی یک نشست فوق‌العاده حمله نظامیان اسرائیل را به کشتی حامل مواد غذایی، دارویی و دیگر کمک‌های مورد نیاز مردم غزه مورد انتقاد قرار داد و در بیانیه ریاستی شورای امنیت ضرورت پایان دادن به محاصره ۳۶ ماهه نوار غزه مورد تأکید قرار گرفت. دوستان و هم‌پیمانان راهبردی اسرائیل و در راس آنها ایالات متحده آمریکا در پی وقوع این رویداد خونین در تنگنا قرار گرفتند. آنها ناگزیر شدند حمله اسرائیل به کشتی کاروان آزادی را مورد نکوهش قرار دهند، اما در عین حال این کشورها به ویژه ایالات متحده آمریکا نتوانستند سیاست مبتنی بر معیارهای دوگانه خود را پنهان کنند؛ زیرا هم آمریکا و هم فرانسه و انگلیس از «قابل درک بودن اقدام اسرائیل» سخن به میان آوردند.

* رییس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

این رویداد از دو منظر به هم پیوسته مورد بررسی قرار گرفت. نخست، موضوع حمله نظامیان اسرائیل به یک کشتی حامل مواد دارویی و غذایی (به میزان ۱۰ هزار تن) برای مردم فلسطین آن هم در آبهای بین‌المللی و قربانی کردن دهها تن بود. دوم، محاصره باریکه غزه که رژیم صهیونیستی تلاش می‌کرد طی ۳۶ ماه گذشته از افکار عمومی خانواده بین‌المللی پنهان کند، در نگاه جهانیان زنده شد و همه کشورها به ویژه مدافعان اسرائیل در عرصه بین‌المللی به ضرورت پایان دادن به این تراژدی انسانی گرایش پیدا کردند. برخی کشورهای عربی و به طور مشخص دولت مصر که به لحاظ زمینی تنها گذرگاه مشترک (گذرگاه رفح) را با باریکه غزه دارد و طی چند سال گذشته به بهانه وجود اختلاف در میان فلسطینی‌ها عملاً به سیاست محاصره باریکه غزه تن داده بود، پس از این رویداد خونین در تنگنا قرار گرفتند و برای عقب‌نماندن از موج محکومیت جهانی رژیم صهیونیستی، طرح صلح اعراب را مورد بررسی مجدد قرار داده و در اجلاس فوق‌العاده وزرای خارجه کشورهای اتحادیه عرب اعلام کردند که اگر گشایشی در سیاست دولت راست‌گرای بنیامین نتانیاهو در مقابل فلسطینی‌ها رخ ندهد، کشورهای عربی نسبت به بازپس‌گیری طرح صلح خود اقدام خواهند کرد. عمروموسی به عنوان دبیر اتحادیه عرب در جریان دیدار از باریکه غزه پا را از این هم فراتر گذاشت و در پاسخ به پرسش خبرنگاران به طور رسمی از خطا بودن سیاست کشورهای عربی در برابر اسرائیل طی چند سال اخیر سخن به میان آورد.

رویداد خونین حمله به کاروان آزادی، کشورها و نیروهای جدید را وارد معادله کشمکش اعراب و اسرائیل کرد. دولت ترکیه یعنی کشوری که از یک سو عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است و از سوی دیگر روابط امنیتی و اقتصادی و سیاسی سطح بالایی با رژیم صهیونیستی دارد، به عنوان پرچمدار کاروان آزادی در معرض یک ضربه شدید انسانی، اخلاقی قرار گرفت. در نتیجه، این کشور با توجه به موقعیت منطقه‌ای، اروپایی و بین‌المللی خود در صف‌های قرار گرفت که خواهان انجام تحقیق مستقل در مورد چگونگی حمله نظامیان اسرائیل به کاروان آزادی شدند. رژیم صهیونیستی برای گریز از فشارهای شدید بین‌المللی اقدام به تشکیل یک کمیته تحقیق داخلی با مشارکت دو ناظر بین‌المللی (البته بدون داشتن حق رای) کرد، اما

ترکیه بلافاصله از این اقدام اسرائیل انتقاد کرد و خواهان تشکیل یک کمیته تحقیق مستقل بین‌المللی برای رسیدگی به این رویداد خونین شد. دولت ترکیه به طور رسمی اعلام کرد که تا رسیدن به نتیجه قطعی در زمینه علت این اقدام اسرائیل از پای نخواهد نشست. در همین حال سازمانهای مدافع حقوق بشر در سطح جهان اقدام به تشکیل کاروانهای آزادی برای شکستن محاصره باریکه غزه کردند. مطابق آخرین آمار اعلام شده دهها هزار تن از داوطلبان پیوستن به این کاروانها ثبت نام کردند. اسرائیل برای فرار از این وضعیت دشوار اعلام کرد که از این پس آماده دریافت کمکهای انسانی بین‌المللی و رساندن آن به باریکه غزه پس از بازرسی محتوای این کمکها خواهد بود. کشورهای اتحادیه اروپا نیز در نشست اخیر وزرای خارجه ضمن ابراز تاسف از ادامه محاصره باریکه غزه آمادگی خود را برای حضور دریایی در دریای مدیترانه به منظور بازرسی کشتیهای حامل مواد غذایی به مردم محاصره شده باریکه غزه اعلام کردند.

ج

این رویداد اوضاع داخلی اسرائیل و کشمکش احزاب سیاسی را به اوج خود رساند. شیمون پرز رییس جمهور رژیم صهیونیستی برای آنچه که دفتر وی «بررسی انزوای روزافزون اسرائیل در مقیاس جهانی» خواند، با رهبران احزاب اپوزیسیون به ویژه خانم لونی رهبر حزب کادیمما به رایزنی پرداخت تا احتمال تغییر دولت را مورد بررسی قرار دهد. ناظران سیاسی این اقدام شیمون پرز را تلاش برای آرام کردن خشم فزاینده جهانیان از اقدامات اسرائیل تفسیر کردند. در هر حال، به نظر می‌رسد سایه عملیات نظامی اسرائیل در حمله به کشتی کاروان آزادی به این زودیها از صحنه رژیم صهیونیستی محو نخواهد شد و این رژیم بالاخره باید تاوان عملکرد فراقانونی خود را بپردازد. جهانیان به ویژه بسیاری از شخصیت‌های نامدار ایالات متحده آمریکا طی واکنشهای مختلفی از باراک اوباما رییس جمهور این کشور خواستند که هر چه زودتر به تدابیری بیندیشد که آمریکا بیش از این در سطح جهانی تاوان همراهی و جانبداریهای پیوسته خود را از اسرائیل نپردازد. آنها به ویژه روی وعده‌های باراک اوباما پیش و پس از ریاست جمهوری اشاره کردند که خواهان جهانی عاری از تبعیض و عاری از پیمانهای ناعادلانه ایالات متحده با کشورهای گوناگون در مقیاس جهانی شده بود.

رویداد دوم اگر چه به اندازه رویداد نخست، بازتاب وسیعی در میان افکار عمومی

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

خانواده بین‌المللی نداشت، اما در میان کشورهای عضو سازمان ملل متحد هم بازتاب داشت و هم سؤال برانگیز بود. چنانکه همه می‌دانند، موضوع بازنگری در معاهده ممنوعیت تولید و گسترش سلاحهای اتمی زیر نظر سازمان ملل متحد مورد بررسی قرار گرفت. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماه مه سال جاری پاره‌ای از تغییرات را در معاهده مزبور به بحث گذاشت. از جمله این موارد، منطقه خاورمیانه بود که از سوی بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفت. منظور اصلی این بود که خاورمیانه عاری از سلاحهای اتمی باشد. این طرح مورد تأیید بخش اعظم کشورهای خاورمیانه از جمله جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت، اما رژیم صهیونیستی به این طرح رای منفی داد. بدین ترتیب، وضعیت سلاحهای اتمی اسرائیل بار دیگر در معرض توجه کشورهای عضو سازمان ملل متحد قرار گرفت. رژیم صهیونیستی به بهانه اینکه این طرح کشورهای نظیر ایران را که به گفته مقامات رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا در جهت دستیابی به سلاحهای اتمی تلاش می‌کنند، مورد توجه قرار نداده، به منطقه خاورمیانه عاری از سلاحهای اتمی رای منفی داد.

واقعیت این است که رژیم صهیونیستی در دهه ۵۰ میلادی قرن پیش با همکاری فرانسه و به بهانه اینکه در محیط ناامنی قرار دارد، به ساخت بمب اتمی پرداخت، اما همواره از راهبرد ابهام استراتژیک در زمینه توانمندیهای اتمی اش پیروی می‌کرد. کارشناسان امور اتمی معتقدند که اسرائیل دست کم به ۲۶۰ کلاهک اتمی مسلح است و مرکز اتمی «دیمونا» در اسرائیل طی چند دهه به فعالیت خود ادامه می‌دهد. اسرائیل هنوز به معاهده ممنوعیت ساخت و گسترش سلاحهای اتمی نپیوسته و همواره از اعطای مجوز بازرسی از مراکز اتمی خود به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خودداری کرده است. محمد البرادعی، رییس پیشین سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، با هدف تشویق رهبران رژیم صهیونیستی به پیوستن به معاهده بین‌المللی ممنوعیت ساخت و گسترش سلاحهای اتمی به تل‌آویو سفر کرد، اما رهبران اسرائیل حتی به وی اجازه بازدید از مراکز اتمی را خود ندادند.

از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی به هیچ یک از کشورهای خاورمیانه اجازه دستیابی به دانش هسته‌ای حتی در جنبه‌های مسالمت‌آمیز آن را نمی‌دهد و برای این منظور و به منظور

جلوگیری از دستیابی کشورهای خاورمیانه به توانمندیهای اتمی به زور متوسل می شود. حمله هوایی اسرائیل به رآکتورهای اتمی عراق در دهه ۸۰ میلادی قرن پیش و حمله هوایی به منطقه دیرالزور در سوریه در سال گذشته مسیحی و نیز تهدید پیوسته رژیم صهیونیستی علیه ایران در همین چارچوب قرار دارد. کشورهای غربی و در راس آنها ایالات متحده آمریکا موضوع اتمی بودن رژیم صهیونیستی را از دستور کار خود خارج کرده و به هیچ یک از سازمانهای بین المللی اجازه نمی دهند که این موضوع را مورد رسیدگی قرار دهد. در مقابل، کشورهای غربی از پایه و اساس با تلاش کشورهای خاورمیانه (چه عربی و چه غیرعربی) برای دستیابی به دانش و تاسیسات اتمی مسالمت آمیز مخالفت می کنند. در واقع، کشورهای غربی درست از همان راهبرد اسرائیل در مورد ضرورت بی رقیب ماندن رژیم صهیونیستی در منطقه به لحاظ توانمندیهای اتمی پیروی می کنند.

بدین ترتیب و پس از طرح بازنگری در معاهده ممنوعیت ساخت و گسترش سلاح اتمی از سوی سازمان ملل متحد، موضوع اتمی بودن اسرائیل مورد توجه جهانیان قرار گرفت. در همین حال، چگونگی برخورد دوگانه کشورهای غربی نسبت به تواناییهای اتمی در خاورمیانه در معرض داوری کشورهای جهان قرار گرفت. در گذشته نه چندان دور، فقط جمهوری اسلامی ایران بود که مخاطرات ناشی از اتمی بودن رژیم صهیونیستی را در همه محافل جهانی مطرح می کرد. رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا به تکرار این نکته می پرداختند که ایران برای سرپوش گذاشتن روی فعالیت اتمی خود، موضوع توانمندیهای اتمی اسرائیل را مطرح می کند. اما امروزه بسیاری از کشورهای خاورمیانه در موضوع مخاطره آمیز بودن سیاست پنهان کاری رژیم صهیونیستی به صف ایران پیوسته اند.

فشار پیوسته ایران و جانبداری بسیاری از کشورهای خاورمیانه و کشورهای عضو جنبش غیرمتعهدها موجب شد آژانس بین المللی انرژی اتمی، توانمندیهای اتمی اسرائیل را در دستور کار اجلاس ماه ژوئن سال جاری قرار دهد. بی تردید این رویداد برای رهبران رژیم صهیونیستی خبر خوشایندی نبود، اما اسرائیل تلاش کرده و می کند که این موضوع را از دستور کار آژانس بین المللی انرژی اتمی خارج کند. همچنین نحوه برخورد کشورهای غربی به ویژه آمریکا با این

مسئله یک بار دیگر معیارهای دوگانه کشورهای غربی را در برخورد با منطقه خاورمیانه عاری از سلاحهای اتمی در معرض داوری افکار عمومی قرار می دهد.

ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای عضو دایم شورای امنیت صرفاً با تکیه بر برخی گزارشهای آژانس بین المللی انرژی اتمی که در آن نسبت به «پاره ای ابهامات در فعالیتهای اتمی ایران» ابراز نگرانی شده، تاکنون اقدام به صدور چهار قطعنامه ظالمانه علیه ایران کرده اند. اما همین کشورها در مورد اتمی بودن رژیم صهیونیستی و کلاهکهای اتمی این رژیم نه تنها سکوت اختیار کردند، بلکه حتی آژانس بین المللی انرژی اتمی را از پرداختن به این موضوع و از وارد کردن فشار بر رژیم صهیونیستی برای پیوستن به معاهده جهانی ممنوعیت ساخت و گسترش سلاح اتمی منع می کنند. اما به نظر می رسد با افزوده شدن شمار کشورهای خواهان شفافیت رژیم صهیونیستی در زمینه فعالیت اتمی و گشوده شدن تاسیسات اتمی این رژیم به روی بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی، هم اسرائیل و هم کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا در تنگنا قرار گرفته اند. ایران در این زمینه می تواند تلاشهای خود را گسترش داده و حتی پاره ای از توافقیهای احتمالی خود را برای حل و فصل پرونده اتمی با کشورهای ۵+۱ مشروط به زدوده شدن نگرانیهای مربوط به فعالیتهای اتمی اسرائیل به ویژه در جنبه های تسلیحاتی آن کند. بی تردید کشورهای نظیر ترکیه که در زمینه نگرانی از فعالیت اتمی اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران اشتراک نظر دارد، می توانند موج وسیعی علیه رژیم صهیونیستی به راه بیندازند. نمی توان بدون شفاف سازی در حوزه مخاطرات توانمندیهای اتمی اسرائیل به خاورمیانه عاری از سلاحهای کشتار جمعی اندیشید. همچنین نمی توان بدون پیوستن رژیم صهیونیستی به معاهده منع ساخت و تولید سلاحهای اتمی و بازرسی از تاسیسات اتمی این رژیم، دیگر کشورهای خواهان بهره مندی از دانش و تاسیسات مسالمت آمیز اتمی را با فشارهای پیوسته و تحریم و تهدید به استفاده از زور از ادامه فعالیتهای اتمی مسالمت آمیز بازداشت. به نظر می رسد وقت آن فرا رسیده است تا رژیم صهیونیستی در زمینه اقدامات فراقانونی خود در حوزه های گوناگون از حمله نظامی به کاروان آزادی تا فعالیتهای غیرمجاز اتمی اش، پاسخ گو باشد.